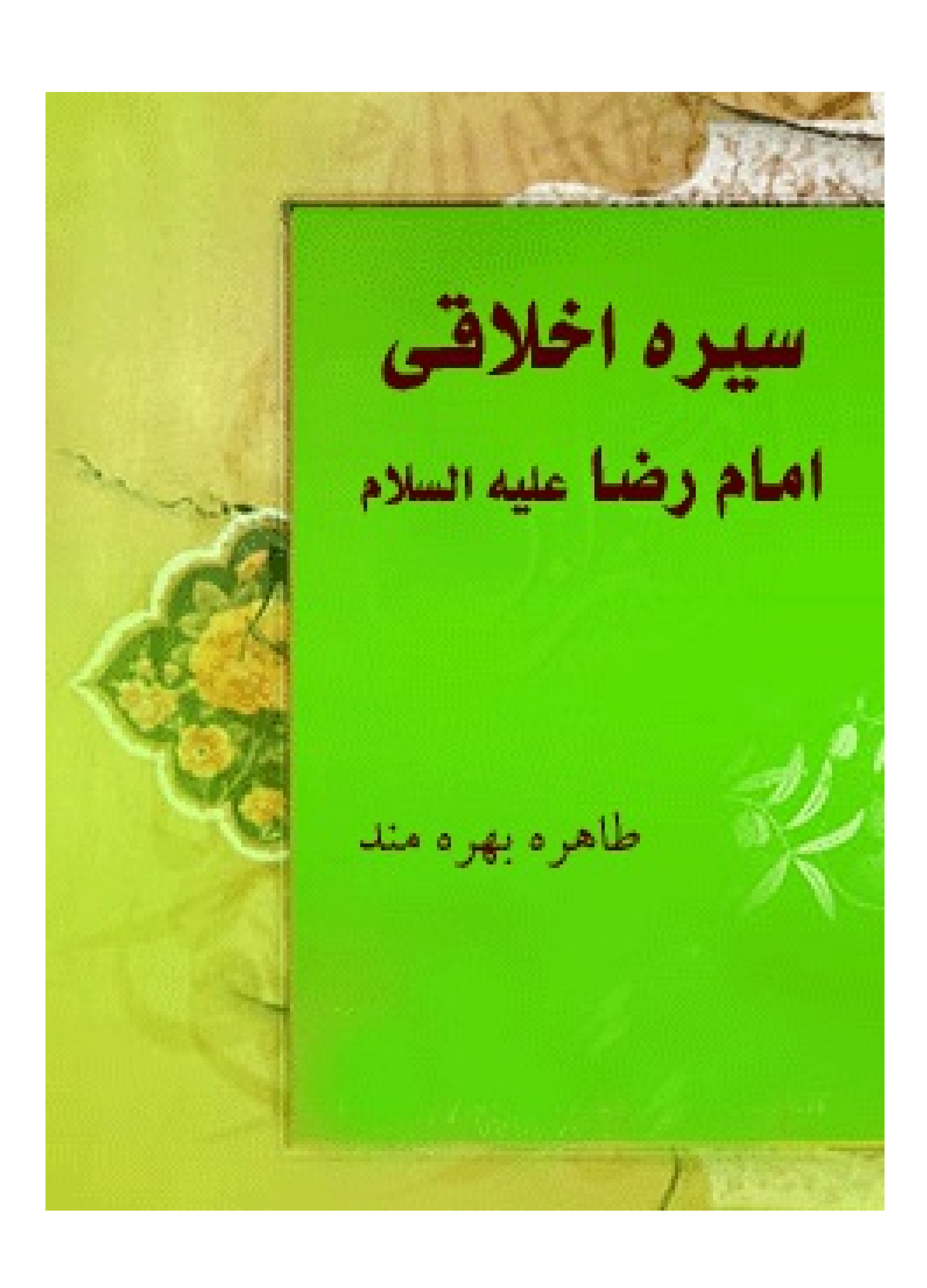


سیره اخلاقی
امام رضا علیه السلام
طاهره بهره مند


بسم الله الرحمن الرحيم

سیره اخلاقی امام رضا (ع)

نویسنده:

طاهره بهره‌مند

ناشر چاپی:

روزنامه اطلاعات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیره اخلاقی امام رضا علیه السلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران عنوان و نام پدیدآور: سیره اخلاقی امام رضا (ع) / بهره‌مند، طاهره. منشا مقاله: اطلاعات، ۲۰ آبان ۱۳۸۷: ص ۳، ۷ ویژه نامه یادداشت: بخش اول: یادمان دکتر قیصر امین پور و رویش‌های انقلاب توصیفگر: علی‌بن موسی (ع ، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. توصیفگر: سیره امامان توصیفگر: فضایل اخلاقی [۱] توصیفگر: زهد توصیفگر: فروتنی توصیفگر: سخاوت توصیفگر: پرهیزگاری توصیفگر: صبر توصیفگر: عبادات توصیفگر: رفتار اجتماعی توصیفگر:

اخلاق فردی

ادب

اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است، و کاشف کیفیت ذات، و درون اوست. امام رضا علیه‌السلام به اخلاق عالی و ممتاز، آراسته بودند، و بدین سبب دوستی عام و خاص را، به خود جلب کردند، همچنین انسانیت آن حضرت، یگانه و بی‌مانند بود، و در حقیقت تجلی روح نبوت، و مصداق رسالتی بود که خود آن حضرت، یکی از نگهبانان و امانت داران و وارثان اسرار آن به شمار می‌رفت. از ابراهیم بن عباس صولی [۱] نقل شده، که گفته است: من ابوالحسن الرضا علیه السلام را هرگز ندیدم در سخن گفتن، با کسی درشتی کنند. من ابوالحسن الرضا علیه السلام را هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن، قطع کند. هرگز درخواست کسی را، که قادر به انجام دادن آن بود، رد نفرمودند. هرگز پاهای خود را، جلو همنشین، دراز نمی‌کردند. هرگز در برابر همنشین تکیه نمی‌کردند. هرگز او را ندیدم، که غلامان و بردگان خود را بد گویند. هرگز او را ندیدم، که آب دهان بیندازند. هرگز او را ندیدم، که قهقهه بزنند، بلکه خنده‌اش تبسم بود. تا آنجاکه می گوید: هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید. [۲]. زهد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام جامع تمام فضائل بودند، به طوری که تمام صفات عالی در ایشان جمع شده بود. خصایص شریف امام رضا علیه السلام قسمتی از صفات جدش، بزرگترین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود که از میان پیامبران ممتاز بودند. ایشان درباره زهد به نقل از پدرانشان می‌فرمودند زاهد آن است که حلال دنیا را از ترس حساب و کتاب و حرام دنیا را از ترس عقاب ترک می کند. [۳]. محمد بن عباد [۴] درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می گوید: پوشش ابوالحسن علیه السلام در طول تابستان همواره یک بوریا بود. ایشان در طول زمستان با همه عظمت و وقاری که داشتند پوششی ساده داشتند و به دور از هر گونه علامت‌گذاری و یا این که رنگ مخصوصی داشته باشد همیشه لباس زبر به تن می کردند مگر آن که می‌خواستند پیش مردم و به دیدن آنها بروند که در آن وقت بهترین لباس خود را می‌پوشیدند. [۵]. امام می‌فرمودند: لباس مظهر خارجی انسان است نمی‌توان نسبت به آن بی‌توجه بود حرمت مومن ایجاب می کند که انسان در ملاقات با او، شئون خود و وی را رعایت کند و مقید باشد که پاکیزه و خوش لباس باشد. [۶]. از دلائلی که امام رضا علیه السلام نزد مردم، لباس خوب می‌پوشیدند این بود که اگر ظاهر انسان تمیز و پاکیزه باشد، دیگران از دیدن این فرد لذت می‌برند و تحت تاثیر وی قرار می گیرند. هم چنان که از دیدن یک انسان کثیف و آلوده حالشان دگرگون می‌شود، ایشان لباس زیبا و پاکیزه می‌پوشیدند تا مردم با دیدن ایشان درس نظم و پاکیزگی را در کنار ساده زیستی بیاموزند و از طرفی نشان دهند که مومن از مال حلال در حدّ شأنش می‌تواند از امکانات این دنیا استفاده کند. همچنین نقل شده: در محیط خانه امام رضا علیه‌السلام آثاری از زندگی اشرافی وجود نداشت از زیور و زینت استفاده نمی‌کردند، مگر این که خود را به عود هندی خام بخور می‌دادند. گوشه‌گیری از دنیا و ساده زیستی

برجسته‌ترین صفات امام رضا علیه السلام بود. تمام راویان متفق القولند که وقتی آن حضرت ولیعهد مامون شدند هیچ توجهی به جنبه قدرت و عظمت آن نداشتند. نقل شده زمانی که امام رضا علیه السلام مجبور به پذیرفتن ولایت عهدی شدند، چون روز عید فرا رسید مامون برای خواندن نماز از امام علیه السلام دعوت به عمل آورده ایشان با ساده‌ترین پوشش و با لباسی که مخصوص نماز عید بود حاضر شدند، این لباس عبارت بود از دو قطیفه روی لباس و عمامه سفیدی از کتان که به سربسته بود که یک طرف آن را به سینه و طرف دیگرش را میان دو شانه انداخته بودند عصایی به دست داشتند، در حالی که کفش برپا نداشتند چون همراهان ایشان این وضعیت را دیدند آنان هم چون امام راه افتادند. [۷]. نمونه دیگری از اخلاق امام رضا علیه السلام این بود که در دوران ولایت عهدی و تصدی بالاترین مقام در دولت اسلامی به هیچ یک از غلامانشان دستور نمی‌دادند که کارهای ایشان را انجام دهند. روایت شده که وقتی ایشان به حمام نیاز داشتند از این که به کسی دستور بدهند حمام را برای ایشان آماده کنند، تنفر داشتند و خود کارهای شخصی خویش را انجام می‌دادند. همچنین ایشان جهت همدردی با مردم به حمام عمومی شهر می‌رفتند و از نزدیک با مردم معاشرت داشتند. [۸].

عبادت

عبادت، فروتنی در مقابل خداوند است. انسان کامل به هر اندازه به خدا نزدیک‌تر باشد به همان اندازه خشوع و بندگی اش در مقابل خدا بیشتر می گردد، چنین کسانی هدفشان در عبادت فقط سپاس نعمت‌های خداوند و نظرشان به قرب پیشگاه ابدیت می‌باشد این بزرگترین امتیازات مردان الهی در ارتباط با خداست، محور اصلی زندگی آنها خدای تعالی و عشق به خداست، شدت توجه به خدا موجب شده بود که آنها لحظه‌ای از حق غافل نشوند، به طوری که اگر گاهی حالت غفلت در خواب یا بیداری به آنها دست می‌داد آن را برای خود گناه به حساب می‌آوردند. [۱۷]. به همین دلیل همواره آنان را می‌بینیم که در وادی شکر الهی اظهار عجز می کنند و با این همه از خوف الهی لابه می کنند و این نشان دهنده تواضع و فروتنی آنها در مقابل ذات احدیت است. پرهیزگاری و تقوای امام رضا علیه السلام طوری بود که نه تنها مردم، بلکه دشمنان نیز به آن اعتراف می کردند، ایشان همه فکر و اندیشه شان، حفظ دین خدا و اجرای وظایف الهی بود و نجات خود و مردم را در تقوا، پرهیزگاری و عبادت کردن می‌دانستند. چیزهایی که در دنیا وجود داشت، سبب نشد که ایشان از وظیفه خود دور بیفتد، ایشان به دنیا علاقه نداشتند و نسبت به آن بی‌رغبت بودند، زهد و عبادتشان بی‌نظیر بود، همیشه سعی داشتند مردم را به تقوا و عبادت و پرستش خداوند دعوت نمایند [۱۸] چنان که به برادرشان زید فرمودند: «ای زید از خدا بترس، آن چه که ما به آن رسیده‌ایم به وسیله همین تقواست هر کس که تقوا داشته باشد و خدا را مراقب خود ندانـد از ما نیست و ما از او نیستیم.» [۱۹]. منابع تاریخی، امام رضا علیه اسلام را پرهیزگاری می‌دانند که مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می‌رفتند، ایشان به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه فراوانی داشتند، بالای قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفتند و خودشان را به قبر شریف می‌چسبانیدند، در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله شش یا هشت رکعت نماز می‌خواندند در رکوع یا سجده سبحان الله سه بار یا بیشتر می گفتند، زمانی که نمازشان تمام می‌شد به سجده می‌رفتند آن قدر سجده را طولانی می کردند که عرق ایشان روی ریگهای مسجد می‌ریخت، صورت مبارکشان را روی زمین یا خاک مسجد می گذاشتند، دائماً در حال عبادت بودند و به عبادت عشق می‌ورزیدند و برای عبادت خداوند انواع رنج‌ها را تحمل می کردند. [۲۰]. امام رضا علیه السلام همچون پدر و اجداد پاکشان همواره قبل از هر چیز بنده خالص خداوند بودند، و همه چیز را در بندگی خدا دنبال می کردند در پرتو همین بندگی بود که به ارزش‌های والای انسانی و مقام‌های بلند معنوی دست یافتند. عبادت، راز و نیاز، مناجات و سجده‌های طولانی شان نشان می‌دهد که ایشان دلداده خداست رابطه تنگاتنگ عاشقانه با ذات پاک خداوند داشتند. یکی از همراهان این بزرگوار در سفر خراسان می گوید: به روستایی رسیدیم، آن حضرت به نماز ایستادند، و سجده‌های

طولانی به جای آوردند، او می گوید: شنیدم امام در سجده می گفتند: «خدایا اگر تو را اطاعت کنم حمد و سپاس مخصوص تو است و اگر نافرمانی کنم حجت و عذری برایم نخواهد بود، من و دیگران در احساس تو شریکی نداریم اگر نیکی به من رسد از جانب تو است. ای خدای بزرگوار! مردان و زنان با ایمان را در مشرق و مغرب در هر کجا هستند بیامرز.» [۲۱]. با توجه به مضمون دعاهای ائمه می‌بینیم دعای امامان ابتدا برای دیگران به خصوص مومنان بود بعداً برای خودشان دعا می کردند این نشان دهنده آن است که آنها چقدر به فکر دیگران بودند و در حق مردم مهربانی می کردند. در مورد امام رضا علیه السلام باید گفت ایشان، اسوه کامل عبودیت بودند و در این راه به حدی رسیده بودند که ایشان را عاشق عبادت می‌دانستند. آن حضرت بسیاری از روزها را روزه داشتند و بسیاری از شب‌ها بیدار بودند. به طوری که در زمان ایشان و نه بعد از آن، کسی به این درجه نرسید حتی زاهدترین افراد. نکته مهم دیگر این که امام رضا علیه السلام بسیاری از اوقات شبانه روز به درس و بحث مشغول بودند، فقه و علوم محمدی را به شاگردانشان درس می‌دادند زیرا ایشان درس را نمونه‌ای از ذکر و عبادت می‌دانستند و زمانی که از درس دادن فارغ می‌شدند به ذکر گفتن خدا می‌پرداختند. [۲۲]. اباصلت می گوید: من در سرخس به خانه‌ای که حضرت را تحت نظر گرفته بودند رفتم، از نگهبان اجازه گرفتم او گفت: حالا موقع رسیدن به حضور ایشان نیست. گفتم: چرا؟ گفت: امام (علیه السلام) در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خوانند و از نماز، یک ساعت پیش از ظهر و نزدیک غروب فارغ می‌شوند و همه اوقاتشان در جای نماز نشسته و مشغول مناجات خدا می‌شود. اباصلت به نگهبان می گوید در همین موقع اجازه بگیر. اتفاقا اجازه گرفتند من در همان حال که ایشان انتظار نماز را داشتند به حضورش شرفیاب شدم. [۱۵]. اهمیت امام به نماز در سیره عملی ایشان کاملا مشهود است. نقل شده است روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان زیادی بین امام (علیه السلام) و حاضران رد و بدل می‌شد، جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: سرورم سخنانمان را قطع نکن که دلم آزرده می‌شود شاید اگر سخنانتان را ادامه دهی مسلمان شوم. ایشان فرمودند نماز می‌خوانیم و برمی گردیم امام برخاستند و نماز خواندند. [۱۶]. از دیگر ویژگی‌های آن حضرت این بود که هر دعایی را که شروع می کردند صلوات بر محمد و آل او می‌فرستادند در نماز یا غیر نماز بسیار صلوات می‌فرستادند، شبها موقعی که می‌خواستند بخوابند قرآن تلاوت می کردند، موقعی که به آیه‌ای می‌رسیدند که در آن از بهشت و دوزخ سخن می گفتند گریه می کردند و می‌فرمودند: «پناه می‌برم به خدا از آتش دوزخ»، آن حضرت هر سه روز یک بار تمام قرآن را تلاوت می کردند و می‌فرمودند: «اگر خواسته باشم قرآن را در کمتر از سه روز تمام کنم می‌توانم ولی هیچ آیه را نخواندم مگر این که در معنی آن آیه فکر کنم، و درباره این که آن آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده، از این رو هر سه روز قرآن را تلاوت می کنم.» [۱۷]. ایشان هر دعایی که می کردند خیلی زود به اجابت می‌رسید، نقل شده که به مأمون خبر داده بودند که امام رضا علیه السلام مجالس علمی مربوط به دین و مذهب تشکیل داده‌اند و این کار باعث شده مردم به مقام علمی ایشان پی ببرند. مامون فردی را مامور کرد که نگذارد مردم در این مجالس شرکت کنند، امام را نزد خود خواند و نسبت به ایشان بی‌احترامی و پرخاشگری کرد. ایشان از نزد مامون با ناراحتی بیرون آمدند و در حالی که لب‌های خود را تکان می‌دادند و می گفتند: به خدا سوگند او را نفرین می کنم که یاری خداوند از او برداشته شود. موقعی که به خانه رسیدند دو رکعت نماز به جا آوردند. اباصلت می گوید: امام هنوز نمازشان را تمام نکرده بودند که زلزله‌ای در شهر اتفاق افتاد، فریادهای زیادی شنیده می‌شد و گرد و غبار زیادی از زمین بلند شد. اباصلت اضافه کرد من از جایم حرکت نکردم تا امام (علیه السلام) سلام نماز را گفتند. بعد از آن بالای پشت بام رفتم و بیرون را نگاه کردم و جز سرهای شکسته چیزی ندیدم بعد از مدتی مأمون و لشکرش در حالی که سرشان شکسته بود را دیدم که با کمال خفت و خواری از شهر بیرون شدند. [۱۸]. از اباصلت هروی نقل شده است که روزی امام در منزل خود نشسته بودند، فرستاده هارون الرشید وارد شد و به ایشان چنین گفت: خلیفه شما را به حضور می‌طلبد. امام رضا علیه السلام برخاستند و فرمودند: ای اباصلت او مرا جز برای امر ناگواری احضار نکرده

است ولی به خدا سوگند نخواهد توانست آنچه را ناپسند می‌دارم در حق من انجام دهد زیرا دعای جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه خود دارم که موجب حفظ جان من خواهد شد. ایشان وارد قصر هارون الرشید می‌شوند چون نگاه حضرت به هارون افتاد همان دعا را خواندند و در مقابل او ایستادند. هارون الرشید به امام چنین گفت: ای ابوالحسن، دستور داده‌ایم یکصد هزار درهم به شما بپردازند تا شما نیازهای خانواده خود را برآورده کنید. چون علی ابن موسی علیه السلام از آن مجلس بیرون رفتند هارون چنین گفت: من خواهان چیز دیگری بودم و پروردگار چیز دیگری اراده کرد و آن چه خدا بخواهد همان شود. [۱۹]. فردی به نام رجاء بن ابی ضحاک [۲۰] در مورد عبادت و مناجات امام رضا علیه السلام چنین می گوید: مامون مرا نزد امام علیه السلام به مدینه فرستاد که ایشان را از مدینه به خراسان نزد وی ببرد، مامون سفارش کرده بود که مواظب امام باشد. مسیر راه بصره، اهواز، فارس، خراسان بود و خیلی سفارش شده بودند که شبانه روز از ایشان جدا نشوند وی می گوید من همیشه کنار امام بودم و کسی را با تقواتر نسبت به خدای متعال مثل او ندیده بودم، ذکر خدا همیشه بر لبانشان جاری بود، همیشه خدا ترس و پارسا بود، موقعی که وقت نماز می‌شد در سجده‌گاه خود می‌نشست و سبحان الله، لااله الا الله و ذکرهای دیگر می گفتند و بعد از نماز اطرافیان را نصیحت می کردند. [۲۱] رجاء ابن ابی ضحاک اضافه می کند وقتی ایشان را نزد مامون بردم از من درباره احوالات امام پرسید من آنچه را دیده بودم برای او گفتم از رفتار و اعمال ایشان، رفتن و ماندنشان، همه آنچه که اتفاق افتاده بود. مامون گفت: ای پسر ضحاک این مرد بهترین خلق خدا روی زمین است، از همه‌ی مردم دانشش و عبادتش بیشتر می‌باشد آنچه که از ایشان دیدی نزد کس دیگر نگو تا بزرگواری او بر کسی آشکار نشود مگر از زبان خود من. [۲۲].

سخاوت

از اصول اخلاقی که در زندگی همه‌ی امامان فراوان دیده شده است جود و سخاوت است. سخاوت در مقابل بخل قرار دارد، یعنی انسان از امکانات مادی و معنوی که در اختیارش وجود دارد فقط خودش استفاده نکند بلکه با بخشش به دیگران قسمتی از مشکلات آنها را حل کند و دیگران را از نعمت‌هایی که خداوند به او داده، چه نعمت مادی و چه نعمت‌های معنوی مانند علم برخوردار کند. [۲۳]. سخاوت از «سخاء» گرفته شده است و «سخا النار و یسخوها»، یعنی این که اگر خاکستر آتش را از آتش پاک کنیم، بهتر می‌سوزد و روشنایی اش بیشتر می‌شود، بنابراین تعریف سخاوت که از همین ریشه است موجب روشنایی و گرم کردن کانون خانواده‌های بینوایان می‌شود. [۲۴]. شاید بهترین تعریف درباره سخاوت بیان امام رضا علیه السلام باشد که فرمودند: السَّخِیُّ یَأْکُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِیَأْکُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِیلُ لَا یَأْکُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِئَلَّا یَأْکُلُوا مِنْ طَعَامِهِ انسان سخاوتمند از غذای دیگران می‌خورد تا از غذای او بخورند، ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی‌خورد تا از غذای او نخورند.» [۲۵]. در بررسی سیره امام رضا علیه السلام ویژگی بذل و بخشش بسیار به چشم می‌خورد. ایشان بسیار صدقه پنهانی می‌دادند و اموال خویش را بین نیازمندان تقسیم می‌نمودند. روایت شده که ایشان یک سال تمام ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم کردند. فردی به ایشان گفت: این گونه بخشش، ضرر است. حضرت فرمودند: این گونه بخشش ضرر و زیان نیست بلکه غنیمت است، هرگز چیزی را که به وسیله آن طلب اجر و کرامت می کنید، غرامت و ضرر به شما نیاور. [۲۶]. گزارش شده هر وقت سفره غذا را برای امام پهن می کردند کاسه‌ای نزدیک ایشان قرار می‌دادند، ایشان از هر نوع غذا مقداری را بر می‌داشتند و در آن کاسه می‌ریختند و دستور می‌دادند آن را بین فقرا تقسیم کنند. بعداً می‌فرمودند": فلا اقتحم العقبه [۲۷]؛ باز هم به عقبه تکلیف تن در نداد ". و می‌فرمودند: خداوند می‌داند که همه مردم قدرت این را ندارند که بنده آزاد کنند برای آنها راه دیگری قرار داده، و آن غذا دادن به فقرا است. [۲۸]. شیوه امام علیه السلام در بخشش طوری بود که حتی کسی که مورد جود امام رضا علیه السلام قرار می گرفت، ذره‌ای احساس شرمندگی نکند. نقل شده که ایشان در مجلسی با یاران خود مشغول صحبت کردن بودند، جمعیت زیادی در آن مجلس حضور

داشتند که ناگهان مردی بلند قامت و گندمگون وارد مجلس شد و به حضرت سلام کرد و گفت: من مردی از دوستان پدران و نیاکان شما هستم. از حج بر می‌گشتم که خرجی خود را گم کردم، اگر شما به من کمک نمائید تا به وطنم برسم پولی که شما به من می‌دهی، از طرف تان صدقه خواهم داد. حضرت فرمودند: بنشین. بعد از مدتی که جمعیت پراکنده شدند و جز عده‌ی کمی باقی نماندند امام به اتاقشان می‌روند و بعد از مدت کمی بازگشتند و دستشان را از بالای در بیرون آوردند و پرسیدند آن مرد کجاست؟ مرد جواب داد من در حضور شما هستم. ایشان فرمودند: این دویست اشرفی را بگیر و خرج کن، لزومی ندارد که از طرف من صدقه بدهی از نزد من خارج شو تا ترا نبینم و تو نیز مرا نبینی. بعد از رفتن آن مرد، فردی که در آنجا حضور داشت به امام رضا علیه السلام عرض کرد: شما نسبت به این شخص احسان و بخشش نمودید. علت این که فرمودید تا شما او را نبینید و او شما را نبیند چیست؟ ایشان فرمودند: از ترس این که مبادا شرمندگی در صورت او ببینم آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله) شنیده‌اید که فرمودند: حسنه مخفیانه با هزار حج برابر است. [۲۹] این عمل امام (علیه السلام) ما را متوجه مطلبی می‌کند و آن این که اگر انسان وقتی چیزی به بینوایی یا سائلی می‌دهد بخشش نیست بلکه شکر نعمتی است که خداوند به او داده است. انسان تا موقعی که حقوق واجبش را نپرداخته در خطر بزرگی قرار دارد بخشش امام به خاطر دوستی کردن با دیگران نیست بلکه به خاطر شکر کردن نعمت‌های خداوند است که به ایشان داده است. همچنین نقل شده است شخصی به حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام گفت: به قدر جوانمردی خودتان به من عطا و بخشش کنید. ایشان فرمودند: این اندازه برای من مقدور نخواهد شد. او گفت: پس به اندازه مروت من عطا کن. حضرت فرمودند: این مقدار ممکن می‌شود پس از این جریان به غلام خودشان دستور دادند تا مبلغ ۲۰۰ اشرفی به او بدهند. [۳۰]. علاوه بر نیازمندان، سخاوت امام رضا علیه السلام شامل حال شاعران و دوستداران تواضع امام رضا چنان زیاد بود که زمانی که برای آن حضرت غذا می‌آوردند. ایشان غلامان و خادمان و حتی دربان و نگهبان را بر سر سفره می‌نشاندند و با آنها غذا می‌خوردند. همچنین نقل شده زمانی که آن حضرت تنها می‌شدند همه خادمان و غلامان خودشان را از کوچک و بزرگ جمع می‌کردند و با آنان سخن می‌گفتند و با آنها انس می‌گرفتند به طوری که غلامان آن حضرت هیچ ترسی از ارباب و مولای خود نداشتند. [۳۱]. تواضع امام به اندازه‌ای بود که بعضی مواقع مردم ایشان را نمی‌شناختند و از افراد معمولی تمیز نمی‌دادند. نقل شده است که روزی ایشان وارد حمامی می‌شوند مردی آن جا بود که ایشان را نمی‌شناخت به امام می‌گوید بیا مرا مشت و مال بده. حضرت شروع به مالیدن دست و پای او کردند زمانی که ایشان را شناخت عذر خواهی کرد ولی امام او را دلداری دادند. [۳۲]. ادب و تواضع امام رضا علیه السلام نسبت به دیگران به اندازه‌ای بود که اگر فردی بر امام وارد می‌شد ایشان به خاطر احترام گذاشتن به آن فرد از جایشان برمی‌خاستند و او را در مناسبت ترین مکان‌ها جا می‌دادند. [۳۳].

صبر و مقاومت

یکی از اصول مشترک در زندگانی امامان که همواره در زندگی آنها مشاهده گردیده صبر و مقاومت است. این بزرگواران الگوی بزرگ صبر و قهرمان مقاومت بودند. در بررسی زندگی امام رضا علیه السلام می‌بینیم که ایشان نیز همچون دیگر امامان نمونه کامل این صفت اخلاقی بودند. شاید بتوان از موقعیت‌های دشواری که ایشان با آن رو به رو شدند زمانی که مأمون این بزرگوار را به خراسان دعوت کرد نام برد. ایشان برای وداع خانه خدا به مکه رفتند لحظه جدایی آن حضرت از فرزندش ابی جعفر محمد بن علی جواد (علیه السلام) بود که ایشان با دلی استوار و مطمئن به قضا و قدر الهی این مصیبت را تحمل کردند شکیبایی و بردباری آن حضرت در دوره خلافت مامون در برابر سیاست‌های مرموز و پشت پرده او به ویژه جریان ولایتعهدی درجه صبر و تحمل آن حضرت را برای ما آشکار می‌کند. [۳۴]. امام رضا علیه السلام در دوران زندگی‌شان و زندانی بودن پدر بزرگوارشان مکرر سعه صدر از خود نشان می‌دادند و مراقب اهل و عیال پدر ارجمندشان بودند. ایشان اهل حلم و شکیبایی بودند. در برابر افرادی که با

ایشان ستیزه و نزاع داشتند حلم و صبر می‌ورزیدند. در برابر دهن کجی‌های دیگران سعی می‌کردند سکوت کنند. افرادی بودند که نسبت به ایشان بی‌احترامی می‌کردند. اما این بزرگوار در برابر آنها خاموشی را انتخاب می‌کردند. [۳۵].

اخلاق اجتماعی امام رضا علیه السلام

رفتار امام رضا با خانواده

سراسر مدت سی و پنج سال امامت امام موسی کاظم علیه السلام با حوادث و فراز و نشیب‌های سیاسی آمیخته بود. بیشتر زندگانی ایشان در زندان‌های هارون الرشید سپری شد. امام رضا علیه السلام در تمامی مدتی که امام کاظم علیه السلام زندانی بودند دستیار و پشتوانه استوار پدر در حوادث سیاسی فرهنگی بودند. شریک غم‌ها و رنج‌های پدرشان بودند هرگز در برابر قدرت‌طلبان هوس باز، خودشان را تسلیم نکردند. ایشان راه پدر را ادامه دادند و مردم را به شدت از یاری رساندن و کمک به خلفای طاغوتی دور می‌کردند. چون امام کاظم علیه السلام بیشتر عمر شریفشان در زندان‌ها سپری شد، امام رضا علیه‌السلام به عنوان فرزند ارشد مسئول نگهداری خانواده ایشان بودند، ایشان در این مدت طوری از خانواده‌شان مراقبت کردند، که اجازه ندادند کسی به آنها بی‌احترامی کند، نهایت احترام را به آنها می‌گذاشتند و خطرات دشمنان را از آنان دور می‌کردند. علاقه حضرت به خانواده‌شان در محبتی که به امام جواد علیه السلام داشتند نیز قابل ملاحظه است. قبل از تولد امام جواد علیه السلام فردی به امام رضا علیه السلام می‌گوید شما کودکان را دوست دارید پس از خداوند بخواهید که پسری به شما عطا کند. حضرت فرمودند: خداوند پسری به من خواهد داد که وارث من می‌شود هنگامی که اباجعفر علیه السلام متولد شدند، حضرت در طول شب گهواره ایشان را حرکت می‌دادند و با او بازی می‌کردند. امام فرزندشان را آن قدر دوست می‌داشتند که شب را نمی‌خوابیدند و گهواره امام جواد علیه السلام را حرکت می‌دادند. به ایشان عرض شد آیا مردم با پسران شان چنین رفتار می‌کنند؟ حضرت فرمودند: این پسر مانند عامه مردم نیست به دنیا آمدن و رشد نمودن او مانند ولادت پدران پاکش است. [۳۶]. رفتار امام با فرزندشان امام جواد علیه السلام آن قدر محبت آمیز و توام با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی‌زدند بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرارش می‌دادند. به عنوان مثال می‌فرمودند: «ابوجعفر برای من نوشته است و من برای ابوجعفر نوشتم.» [۳۷] به این ترتیب می‌خواست ایشان را احترام و تمجید کنند. نمونه دیگر علاقه و وابستگی امام رضا علیه السلام، محبتی بود که به حضرت معصومه علیه السلام داشتند.

رفتار امام رضا با مردم

امامان با مردم نشست و برخاست داشتند و در تعاملات اجتماعی به نیکوترین صورت با آنان برخورد می‌نمودند. این سیره چنان نیکو بود که با الگو قرار دادن آنان ما می‌توانیم روش صحیح برخورد اسلامی با افراد گوناگون را بیاموزیم. با بررسی آیات در می‌یابیم برخورد با انسان‌های مختلف باید هماهنگ و متناسب با روحیه آنها باشد خداوند عز و جل در قرآن فرموده است: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ [۳۸]؛ محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سخت و شدید و در میان خود مهربانند. در آیه دیگری چنین فرموده: یا أَيُّهَا النَّبِیُّ جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقینَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ [۳۹]؛ ای پیامبر با کافران و مجاهدان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر. از این آیات چنین نتیجه‌گیری می‌شود که برخورد قرآن و اسلام با انسان‌های مختلف فرق می‌کند. در بعضی جاها دستور به برخورد نیک و پر محبت می‌دهد، «با مردم سخن نیک بگویید» [۴۰] و در جای دیگر دستور به برخورد میانه می‌دهد: «محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.» [۴۱]. امام رضا علیه السلام به عنوان اسوه کانون مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بود. در زیارت آمده است: السلام

علی الامام الرؤوف؛ (سلام بر امام و پیشوای با رافت و مهربان) این لقبی است که از طرف خداوند به ایشان داده شده است. ایشان بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمت گزاران شان داشتند. در روزی که ایشان مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسیدند بعد از این که نماز ظهر را خواندند به فردی که نزدیکشان بود فرمودند: مردم (منظور اهل خانواده کارکنان و خدمتگزاران شان بودند) غذا خورده‌اند؟ آن فرد جواب داد: آقای من در چنین وضعیتی کسی می‌تواند غذا بخورد؟ در این لحظه که امام علیه السلام متوجه می‌شوند کسی غذا نخورده، می‌نشینند و دستور آوردن سفره‌ای را می‌دهند همه را سر سفره دعوت می‌کنند و آنها را یکی یکی مورد محبت قرار می‌دهند. [۴۲]. ایشان در جایی که مربوط به شخص خودشان بود بزرگ ترین گذشت‌ها، عالی‌ترین ایثار ها و بیشترین محبت را نسبت به دیگران داشتند. رفتار عملی امام رضا علیه السلام نشانه انسانی کامل و نمونه است که هیچ علاقه‌ای به دنیا و ظواهر آن ندارد. اگر فردی حتی کوچک‌ترین خدمتی برای امام رضا علیه السلام انجام می‌داد، ایشان نهایت تشکر و قدردانی را به جا می‌آوردند و حتما خدمت آن فرد را جبران می‌نمودند. آن حضرت به مستضعفان و گرفتاران توجه خاصی می‌کردند، اگر آنها گرفتاری و ناراحتی داشتند، سعی می‌کردند مشکل آنان را حل کنند. زیاد بودند افرادی که در سایه یاری رسانی‌ها ی امام علیه السلام به خیری دست یافتند.

پاورقی

[۱] از اصحاب رضا علیه السلام بود. [۲] محمدباقر مجلسی، المکتبهٔ الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱، ص ۹۰ - ۹۱، علی بن عیسی، الاربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۵۶ – ۱۵۷. [۳] ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۶۲۸. [۴] از یاران و معاصران امام رضا علیه السلام بود. [۵] علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۵۷. [۶] ر. ک باقر شریف، قرشی، پژوهشی دقیق در زندگی علی بن موسی الرضا، سیدمحمد صالحی، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۲، ص ۵۹ - ۶۰. [۷] ر. ک محمد بن محمد، مفید ارشاد، هاشم رسولی محلاتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۷۲ – ۳۷۳. [۸] ر. ک باقر شریف، قرشی، پژوهشی دقیق در زندگی امام رضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۷. [۹] ر. ک سیدهاشم، رسولی محلاتی، مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی حضرت رضا، ناشر کنگره امام رضا، ص ۴۲۵ - ۴۲۶. [۱۰] ابن بابویه، صدوق عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۳۵. [۱۱] ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج۲، ص ۵۷۳. [۱۲] همان، ج ۲، ص ۴۲۱. [۱۳] محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۲ - ۹۳. [۱۴] ر. ک. حسین عمادزاده، مجموعه زندگانی چهارده معصوم، ص ۱۰۶۴. [۱۵] ر. ک. ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج۲، ص ۴۳۱ - ۴۳۲. [۱۶] ر. ک. محمد تقی، مدرسی، امامان و جنبشهای مکتبی، حمید رضا آژیر، چاپ اول ۱۳۶۷، مشهد، آستان قدس رضوی، ص ۲۸۱. [۱۷] ر. ک. ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۲۰. [۱۸] ر. ک. ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۰۲. [۱۹] ر. ک. محمد تقی، مدرس، امامان و جنبشهای مکتبی، ص ۲۴۸. [۲۰] گماشته ودایی مامون. [۲۱] ر. ک. ابن بابویه صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۲۱. [۲۲] ر. ک. ابن بابویه صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج۲، ص ۴۲۱. [۲۳] ر. ک. محمد محمدی اشتهاردی، اصول اخلاقی امامان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۵۳. [۲۴] ر. ک. همان، ص ۵۴. [۲۵] ر. ک. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۲. [۲۶] ر. ک. محمد امین، سیره معصومان، حجتی کرمانی، سروش، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰. [۲۷] سوره بلد، آیه ۱۱. [۲۸] ر. ک. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص۹۷، حسین عمادزاده، چهارده معصوم، ص ۱۰۶۵. [۲۹] ر. ک. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص۱۰۱ - ۱۰۰. [۳۰] ر. ک. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص۱۰۰. [۳۱] محمد امین، سیره معصومان، علی حجتی کرمانی، ص ۱۴۹. [۳۲] محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۹۹، محمدجواد، فضل الله، تحلیل از زندگی امام رضا علیه‌السلام، ص ۴۳. [۳۳] محمدجواد فضل

الله، تحلیلی از زندگانی اما م رضا علیه السلام، ص ۴۵. [۳۴] ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۲۶. [۳۵] عمادالدین حسین، اصفهانی مشهور به عمادزاده، مجموعه زندگانی ۱۴ معصوم، ص ۱۰۶۴. [۳۶] محمدباقر، بهبهانی، جواد الائمه، ترجمه ابراهیم سلطانی نسب صیام، اول ذیقعده، ۱۳۸۱، ص ۱۷. [۳۷] باقر شریف، قرشی، پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۱، ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۹۶. [۳۸] سوره فتح، آیه ۲۹. [۳۹] سوره توبه، آیه ۷۳. [۴۰] سوره بقره، آیه ۸۳. [۴۱] سوره فتح، آیه ۲۹. [۴۲] ابن بابویه، صدوق، عیون اخبار الرضا، علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۴۹۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ

تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹